



از سری مباحث اقتصاد ایران (شماره ۳)

چشم انداز تهدیدات بالقوه بازار کار در ج.ا.ایران

شرکت گروه مشاوران مدیریت و مطالعات راهبردی تدبیر

خردادماه ۱۳۹۶

بسمه تعالی

مقدمه:

بازار کار در ج.ا.ایران، چشم انداز پیچیده و دشواری دارد و متضمن **تهدیدات بالقوه** اقتصادی و اجتماعی برای کشور می‌باشد. از اینرو به تدابیر ویژه و استراتژیک برای تبدیل تهدیدات بالقوه به فرصتهای مناسب احتیاج است. در این مقاله به تبیین ابعادی از تهدیدات مربوطه و راهکارهای ضروری پرداخته خواهد شد.

۱- تعاریف پایه

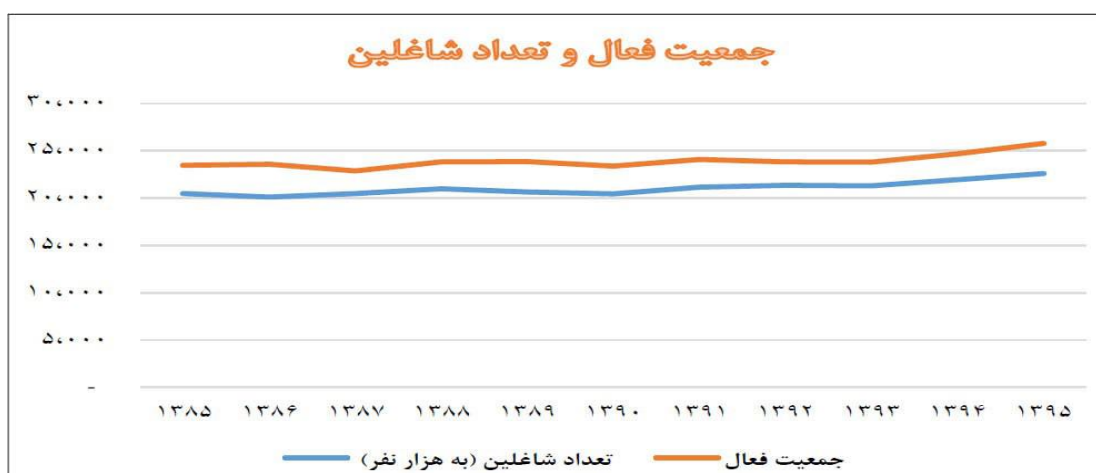
برای بررسی وضعیت بازار کار در کشور، باید چهار متغیر «جمعیت در سن کار»، «جمعیت فعال»، «نرخ بیکاری» و «نرخ مشارکت اقتصادی» را مد نظر قرار داد.

* **جمعیت در سن کار** شامل افراد بین سن ۶۴-۱۰ سالگی را می‌شود.

* **جمعیت فعال** بخشی از «جمعیت در سن کار» است که یا در تولید کالا و خدمات مشارکت دارد و یا دارای قابلیت مشارکت بالقوه در فعالیتهای اقتصادی می‌باشد.

$$\text{جمعیت شاغل} + \text{جمعیت بیکار} = \text{جمعیت فعال}$$

وضعیت رابطه جمعیت فعال و تعداد شاغلین، در نمودار ذیل نشان داده شده است:



* نرخ بیکاری عبارتست از نسبت تعداد افراد بیکار به جمعیت فعال اقتصادی.

$$\text{نرخ بیکاری} = \frac{\text{جمعیت بیکار}}{\text{جمعیت فعال}}$$

* نرخ مشارکت اقتصادی نیز بیانگر نسبت جمعیت فعال به کل جمعیت در سن کار است.

$$\text{نرخ مشارکت} = \frac{\text{جمعیت فعال}}{\text{کل جمعیت در سن کار}}$$

افزایش نرخ مشارکت اقتصادی به منزله افزایش مطلوبیت اشتغال در مقابل کاهش انگیزه عدم اشتغال در نزد افراد است. بنابراین افزایش این متغیر نشان‌دهنده بهبود فضای کار در اذهان نیروی کار بالقوه است.

۲- افزایش نرخ مشارکت

افزایش نرخ مشارکت، موجب افزایش نیروی کار بالقوه می‌شود. بدین معنی که قبل از افزایش نرخ مشارکت، بخش قابل توجهی از جمعیت غیر فعال در محاسبات نرخ بیکاری در نظر گرفته نمی‌شدند. اما با افزایش نرخ مشارکت، صف تقاضای کار افزایش می‌یابد و از اینرو از جمعیت غیر فعال کاسته و به جمعیت فعال افزوده می‌شود. این امر آمار بیکاران و نرخ بیکاری را افزایش می‌دهد.

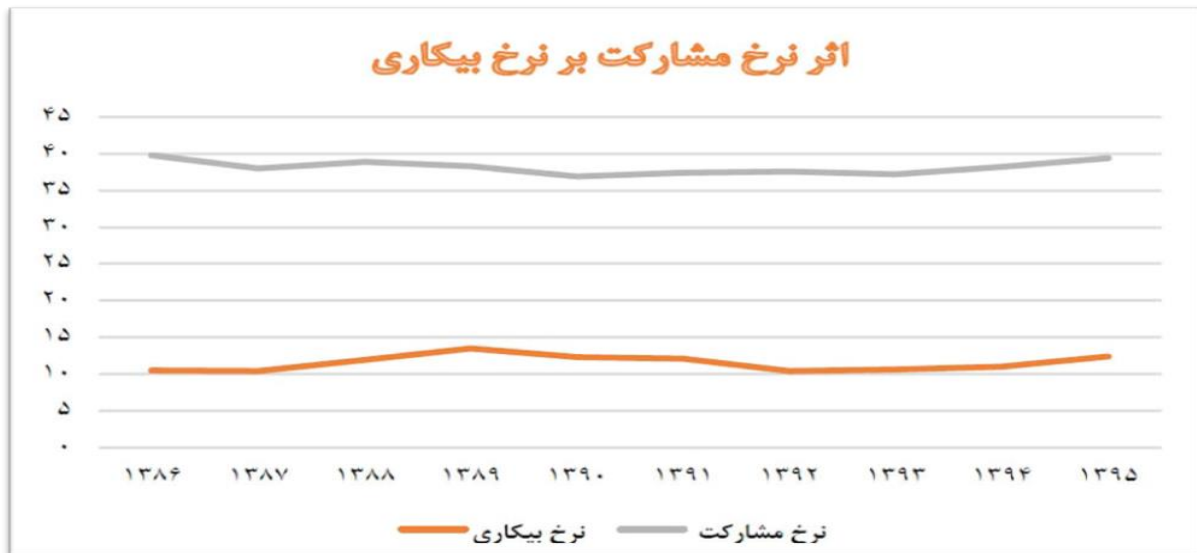
در بازار کار ایران نسبت جمعیت غیر فعال بیش از نیمی از جمعیت در سن اشتغال را تشکیل می‌دهد، لذا هرگونه تصمیم جمعیت غیر فعال برای ورود به بازار کار، موجب افزایش نرخ مشارکت می‌شود که اثر معناداری بر افزایش نرخ بیکاری خواهد گذاشت. محاسبات نشان می‌دهد که به ازای هر واحد تغییر در نرخ مشارکت اقتصادی (در صورت تثبیت سایر عوامل)، حدود ۱/۹۳ درصد بر نرخ بیکاری افزوده خواهد شد (دنیای

اقتصاد ۱۳۹۶/۲/۶).

طی سال‌های ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۱، نرخ مشارکت اقتصادی دارای کاهش مستمر بوده است. اما این متغیر در سه سال اخیر روند رو به رشدی را سپری کرده و از ۳۷/۲ درصد به ۳۹/۴ درصد رسیده است. این افزایش معادل ۱/۲ میلیون نفری نیروی کار بالقوه است.

همانطور که مشاهده می‌شود، با افزایش نرخ مشارکت، نرخ بیکاری نیز افزایش یافته است. علت اصلی این امر ورود فارغ التحصیلان و سایر اقشاری که قبلاً در جمعیت غیر فعال بودند، به بازار کار است. لازم بذکر است که تداوم این روند، تاثیر اساسی بر افزایش نرخ بیکاری در آینده خواهد داشت.

وضعیت اثر نرخ مشارکت بر نرخ بیکاری در نمودار ذیل نشان داده شده است:



۳- پاسخ به پارادوکس بازار کار ایران:

در بازار کار ایران، پارادوکس و تناقض اساسی وجود دارد. بدین معنی که در سالهای اخیر، از یکسو میزان اشتغال و از سوی دیگر، نرخ بیکاری بصورت همزمان افزایش دارد. چرا که در این سالها، همسو با افزایش اشتغال، نرخ مشارکت نیز افزایش داشته و این امر افزایش نرخ بیکاری را در برداشته است. در این راستا باید گفت که در سال گذشته، با وجود ایجاد بیش از ۶۴۰ هزار فرصت شغلی، نرخ بیکاری نیز به سبب افزایش نرخ

مشارکت حدود ۱/۴ درصد افزایش یافت و به بیشترین مقدار طی هفت سال گذشته رسید. همچنین باید افزود که طی سال‌های ۱۳۹۳ تا ۱۳۹۵، برغم آنکه در مجموع حدود ۱/۳ میلیون فرصت شغلی در کشور ایجاد شد و بهبود نسبی در وضعیت اشتغال بوجود آمد، اما به سبب افزایش نرخ مشارکت اقتصادی و افزایش تعداد نیروی کار بالقوه، نرخ بیکاری نیز روند رو به رشدی را سپری کرده است. در این دوره نرخ مشارکت اقتصادی بیش از ۲/۲ واحد افزایش یافت که موجب افزایش ۱/۸ واحد درصدی نرخ بیکاری در بازه یاد شده، گردیده است.

بنابراین پاسخ تناقض مزبور در بازار کار ایران را باید در افزایش نرخ مشارکت جستجو کرد. بدین معنی که در کشور اشتغال افزایش داشته، اما به سبب افزایش نرخ مشارکت، نرخ بیکاری نیز افزایش داشته است. از آنجا که افزایش نرخ بیکاری بیش از ایجاد فرصت‌های شغلی بوده است، آثار خدمات دهی تمامی دستگاه‌های دولتی، غیر دولتی و بخش خصوصی در امر اشتغال زایی، برای آحاد جامعه ملموس و محسوس نمی باشد.

لازم بذکر است که این وضعیت در دهه ۱۳۸۰ نیز ظهور و بروز داشت. بدین معنی که در دهه ۱۳۸۰، نرخ مشارکت به سبب افزایش جمعیت غیر فعال کشور (افزایش نیروهای تحصیل کرده) رو به کاهش بود. لذا برغم آنکه فرصت‌های شغلی محدودی در این سالها ایجاد شد، اما نرخ بیکاری نیز کاهش داشت و یا دارای افزایش نبود. بعنوان نمونه باید گفت، در سال ۱۳۸۶ که لقب بدترین سال در ایجاد اشتغال در دهه گذشته را به نام خود به ثبت رسانده است، بیش از ۲۰۰ هزار فرصت شغلی کاهش پیدا کرد، اما به علت کاهش ۰/۶ درصدی نرخ مشارکت، نرخ بیکاری در مقایسه با سال ۱۳۸۵ حدود ۰/۸ درصد کاهش یافت.

اما این وضعیت در سال ۱۳۸۸ بنحو دیگری ظهور و بروز پیدا کرد. بدین معنی که با افزایش نرخ مشارکت در سال ۱۳۸۸، با وجود ایجاد بیش از نیم میلیون فرصت شغلی، نرخ بیکاری در مقایسه با سال قبل، حدود ۱/۵ درصد افزایش پیدا کرد.

در مجموع می‌توان گفت، نرخ مشارکت در نیمه اول دهه ۱۳۸۰، رو به کاهش بوده است. اما از نیمه دوم دهه ۱۳۸۰ این نرخ افزایش تدریجی داشته و در نیمه اول دهه ۱۳۹۰ از شدت بیشتر برخوردار شده است.

۴- فرصتها و تهدیدات نرخ مشارکت:

کاهش و افزایش نرخ مشارکت، متضمن فرصتها و تهدیدات مختلف و گوناگون است. بدین معنی که با افزایش جمعیت غیر فعال (افزایش نیروهای تحصیل کرده)، نرخ مشارکت کاهش می یابد. این امر فرصت لازم را برای نخبگان سیاسی در جهت افزایش ظرفیت‌های اقتصادی و برقراری تعادل و تناسب سازی بین تقاضا و عرضه نیروی کار برای سالهای آتی فراهم می نماید. چرا که آمار جمعیت غیر فعال در نرخ بیکاری کشور منظور نمی شود و نخبگان سیاسی می توانند نسبت به برقراری تعادل در بازار کار اقدام نمایند. اما در صورتی که اقدام مناسب در جهت افزایش ظرفیت اقتصادی صورت نپذیرد، فرصت مزبور، تبدیل به تهدید می شود. چراکه با افزایش نرخ مشارکت، از تعداد افراد جمعیت غیر فعال کاسته شده و به جمعیت فعال افزوده می شود. افزایش جمعیت فعال نیز دلالت بر افزایش نرخ بیکاری خواهد داشت. بعبارت دیگر، باید از فرصتهای مربوط به افزایش نرخ مشارکت در خصوص افزایش ظرفیت های اقتصادی که موجب بهبود وضعیت طرف تقاضای نیروی کار می شود، بهره گیری لازم را بعمل آورد. در غیر اینصورت، با افزایش نرخ مشارکت افزایش عرضه نیروی کار رقم می خورد. از آنجا که تعادل در عرضه و تقاضای نیروی کار وجود ندارد، نرخ بیکاری افزایش می یابد.

متأسفانه در دهه ۱۳۸۰، اقدامات مورد انتظار در خصوص افزایش ظرفیت های اقتصادی و برقراری تعادل بین عرضه و تقاضای نیروی کار صورت نپذیرفت و این فرصت طلایی که همراه با افزایش قابل توجه قیمت نفت و بهبود اساسی در درآمدهای نفتی بود، از دست رفت. اما از سوی دیگر، از نیمه دوم دهه ۱۳۹۰ و اتمام دوره فرصت های طلایی، عرضه نیروی کار دارای افزایش خواهد بود که بخش قابل توجه آنها نیروهای تحصیل کرده هستند لذا با توجه به اینکه اقدامات اساسی در جهت ظرفیت سازی های اقتصادی و همچنین تعادل بین تقاضا و عرضه نیروی کار صورت نپذیرفته است، بازار کار دارای شرایط نامناسبی خواهد بود که متضمن تهدیدات بالقوه است.

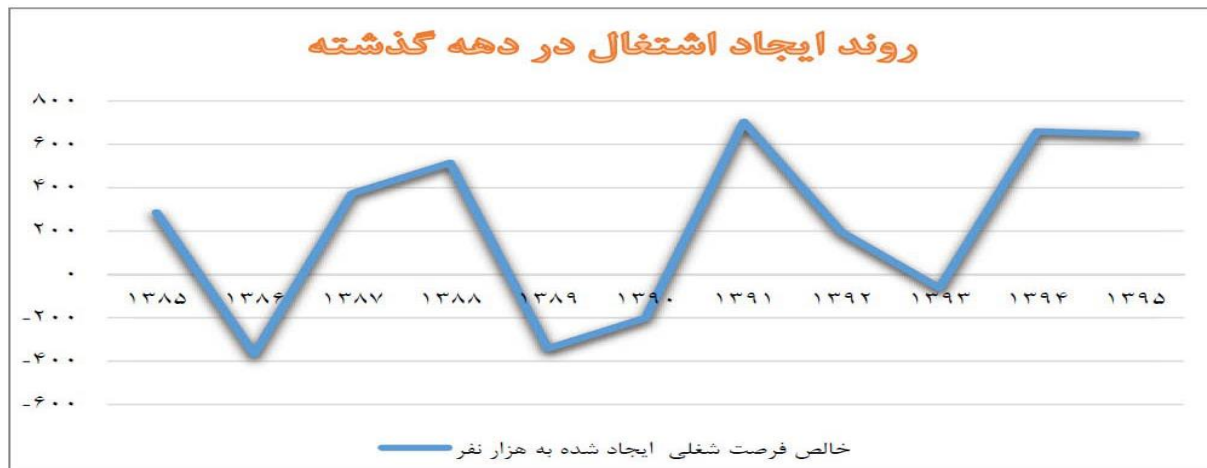
۵- آثار رشد نرخ مشارکت در آینده:

همانطور که گفته شد از سال ۱۳۹۳، روند تازه‌ای بر بازار کار کشور حاکم شده که در قالب افزایش نرخ مشارکت اقتصادی و تمایل به جست‌وجوی کار ظهور و بروز پیدا کرده است. به طوری که طی سه سال گذشته، نرخ مشارکت اقتصادی در هر فصل نسبت به فصل مشابه سال پیشین خود، بالاتر بوده است. لذا پیش بینی می‌شود که در پایان دهه ۱۳۹۰ و در سال ۱۴۰۰، نرخ مشارکت از ۳۹/۴ درصد به سطح ۴۱ درصد افزایش یابد.

در صورتی که رشد جمعیت طی سال‌های آتی، معادل سال‌های گذشته باشد، میزان جمعیت کشور در سال ۱۴۰۰ حدود ۸۸/۱ میلیون نفر خواهد بود. از میزان مزبور، حدود ۷۳/۲ میلیون نفر در سن اشتغال (۱۰ سال به بالا) قرار خواهند داشت. هر گاه نرخ مشارکت اقتصادی در سال ۱۴۰۰، به میزان ۴۱ درصد باشد، حدود ۳۰ میلیون نفر در زمره جمعیت فعال محسوب خواهند شد. در این صورت، اگر قرار باشد نرخ بیکاری حتی در همین محدوده نسبتاً بالای فعلی (سطح ۱۲ درصد) ثابت بماند، اقتصاد ایران باید نسبت به تامین حدود ۴ میلیون شغل جدید طی ۵ سال آینده اقدام نماید. به عبارت دیگر، اقتصاد ایران سالانه به ۸۰۰ هزار شغل جدید نیاز خواهد داشت، تا سطح نرخ بیکاری در محدوده کنونی حفظ شود و افزایش نیابد.

لازم بذکر است که یکی دیگر از چالش‌های بازار کار ایران، وضعیت اشتغال، ناقص می باشد. بر اساس آمارهای بانک مرکزی، در پایان سال گذشته حدود ۲/۶ میلیون نفر در وضعیت اشتغال ناقص قرار دارند. این شاغلان، دارای امنیت شغلی به مراتب کمتر در مقایسه با شاغلین تمام وقت می باشند. بنحوی که نوسانات اقتصادی می‌تواند شاغلان ناقص را به بیکاران بالقوه تبدیل نماید. با توجه به این امر بهبود وضعیت شاغلین ناقص و پایدار سازی آنها، در محاسبات منظور نشده است که بحث جداگانه‌ای را طلب می کند.

همچنین باید افزود، که طی دهه گذشته، به طور متوسط سالانه ۱۲۰ هزار شغل ایجاد شده است. نمودار ذیل روند ایجاد اشتغال در دهه گذشته را نشان می دهد:



نمودار مزبور نشان می‌دهد که اقتصاد ایران در ۱۰ سال گذشته، از لحاظ ایجاد تعداد شغل و پایداری آنها، کاستی‌های اساسی داشته و برای پاسخ‌گویی به تقاضای کار در ۱۰ سال آتی، محتاج اصلاحات ساختاری اساسی و بنیانی می‌باشد.

۶- الزامات برقراری تعادل در بازار کار:

تعادل در بازار کار منوط به مولفه‌های ذیل است:

* رشد اقتصادی

* سرمایه‌گذاری

رشد اقتصادی از طریق ایجاد ظرفیت‌های جدید اقتصادی، موجب افزایش تقاضای نیروی کار می‌شود و زمینه برقراری تعادل در بازار کار فراهم می‌گردد. اما رشد اقتصادی، افزایش سرمایه‌گذاری‌های داخلی و خارجی را طلب می‌کند. محاسبات هزینه سرمایه‌گذاری برای ایجاد هر شغل جدید، متفاوت و گوناگون است. در برنامه ششم توسعه، به ایجاد حدود یک میلیون فرصت شغلی در هر سال، تاکید شده است. مقامات سازمان برنامه و بودجه نیز اعلام داشته‌اند که برای ایجاد حدود یک میلیون فرصت شغلی در هر سال، به ۸۰۰ هزار میلیارد تومان (داخلی و خارجی) سرمایه‌گذاری احتیاج است. بعبارت دیگر، ایجاد هر شغل جدید، هزینه‌ای بالغ بر ۸۰۰ میلیون تومان خواهد داشت.

از جمله الزامات تامین سرمایه مورد نیاز، امنیت پایدار در خصوص "سرمایه" و "سرمایه‌گذار" در ابعاد داخلی و خارجی است که بحث جداگانه‌ای را طلب می‌کند.